خبر جنوب
روزنامه صبح

نه مرغ می‌خواهیم نه چایی!

روزنامه آرمان در ستون طنز خود نوشت:

فیلمی در شبکه‌های مجازی منتشر شده که عده‌ای در یک مراسم عروسی می‌خوانند: «نه مرغ داریم نه چایی! احمدی‌نژاد کجایی؟!» فارغ از اینکه کیفیت برخی از مراسم عروسی واقعا حیرت‌انگیز شده و آدم را به وحشت می‌اندازد، باید عرض کنم که جای دعواها و شعارهای سیاسی باور کنید هر کجا باشد، مراسم عروسی نیست. مثلا عروسی اصولگراها باشد شعار می‌دهند: «قند و دلار آوردیم، دولتتونو بردیم!» یا در عروسی اصلاح‌طلب‌ها باید بخوانند: «سکه و دلار ارزونیتون، دولت نمی‌دیم بهتون!»این دیگر چه بساطی است؟! به جای اینکه شب عروسی، جشن و شادی و سرور باشد، یا باید ساسی مانکن گوش بدهید یا شعار سیاسی بدهید؟! باور کنید خود مارتین لوترکینگ، اصلا وینستون چرچیل هم شب عروسی‌شان «دوماد خوش و آب و رنگه، ایشالا مبارکش باد!» پخش می‌کردند و می‌رقصیدند. حالا ممکن است بگویید یک چیزی گفته‌اند و رفته‌اند اما اینگونه نیست. وجدانا نیازی نیست آن‌قدر سیاست را دخیل در همه اتفاقات زندگی‌مان کنیم. در مراسم عروسی و عزا، اصلا هرجا که می‌روید، بحث مهمان‌ها بحث سیاسی است. پس‌فردا سر سفره عقد در جواب سوال «آیا وکیلم؟!» جواب ندهند: «عروس رفته فعالیت حزبی کنه»، «عروس رفته صندوق رای بیاره» یا «عروس رفته نامه سرگشاده بنویسه». رها کن هموطن، رها کن ایرانی! یک شب عروسی را شاد باش و خوش باش و از فردا دوباره در تاکسی و مترو و اتوبوس و صف و... بحث سیاسی کن!واقعا یک چیزهایی ابتدا شوخی است و بعد جدی می‌شود که آدم نمی‌تواند بعدا با آنها شوخی کند. این قضیه بحث سیاسی در عروسی از همان دسته است.

دفاع کیهان از میترا استاد: او آدمی فرودست و شهروندی درجه ۲ بود

روزنامه کیهان نوشت: در همین جنایت اخیر بی‌پروا، قاتل را تبرئه کردند و زن جوان قربانی را آماج انواع تهمت قرار دادند. چرا؟ چون [نجفی] هم‌قبیله‌ای است و می‌تواند مهریه‌ای معادل ۶ میلیارد تومان تعیین کند و خانه‌ای در یک برج گران‌قیمت در شمال شهر تهیه نماید، و دومی از فرودستان و شهروندان دون‌پایه و درجه ۲ محسوب می‌شود. بنابراین روا داشتند که یک جا، حقوق و اخلاق و وجدان و شرافت و صداقت و انسانیت را لگدمال کنند.بدترین تهمت‌ها را که قلم از بازگویی شرم دارد، به قربانی زدند و داعش‌وار، حکم مهدورالدمّی او را که دستش از دنیا کوتاه است دادند؛ حال آنکه سال‌ها بر طبل حقوق زنان و فمینیسم کوبیده بودند. (همین‌ها بارها در موارد اثبات‌شده خیانت به شوهر، از زن خیانتکار در مقابل حکم دادگاه جانبداری کردند!). کسانی که جنایت مسلم را با وجود اعتراف قاتل، انکار و توجیه و تقدیس کردند؛ چرا نتوانند دروغ تقلب ۱۱ میلیونی را در انتخابات ۸۸ بگویند، جشن ۴۰ میلیونی ملت را تبدیل به بحران کنند، گرای تحریم‌های فلج‌کننده را به دشمن بدهند، و آخر سر، خود را میانجی مذاکره و منجی اقتصاد جا بزنند؟

کشف وزارتخانه ای که بیشترین خانه سازمانی را دارد

روزنامه خراسان خبر داد:

طبق گزارش یک مسئول اقتصادی در دولت به تعدادی از نهادهای نظارتی، اعلام شده با توجه به تبصره ۲ قانون بودجه ۹۸ و تصمیمات اتخاذ شده برای واگذاری خانه های سازمانی جهت تسویه بدهی های موجود به سازمان تامین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی، مشخص شده بیشترین خانه های سازمانی، متعلق به وزارت راه و شهرسازی است که به همین دلیل مقرر شده با استعلام از این وزارتخانه، فهرست کامل خانه های قابل واگذاری برای انجام اقدامات بعدی به وزارت اقتصاد اعلام شود.

به‌جای وعده خالی، آمار اشتغال ایجاد شده را منتشر کنید

پول‌پاشی صرف از سوی دولت نمی‌تواند به ایجاد اشتغال پایدار منجر شود. روزنامه همشهری نوشت: آیین‌نامه اجرایی تسهیلات ۲۵ هزار میلیارد تومانی اشتغال با هدف ایجاد یک میلیون و ۹۰ هزار فرصت شغلی در سال ۹۸ از سوی دولت دوازدهم ابلاغ شد.چند سالی می‌شود که دولت در لایحه بودجه کل کشور، ایجاد حدود یک میلیون شغل در سال را پیش‌بینی می‌کند و بعد به مدد منابع صندوق توسعه ملی و مکلف‌کردن بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تکلیفی، منابع کلانی را به این کار اختصاص می‌دهد. آخر کار هم رئیس سازمان برنامه و بودجه گزارشی از ایجاد یک میلیون و اندی شغل جدید در کشور می‌دهد که در سایه آن برنامه‌ریزی‌ها و این منابع ایجاد شده‌اند. امسال هم طبق همین سنت، ۲۵ هزار میلیارد تومان برای ایجاد یک میلیون و ۹۰ هزار شغل (هر شغل ۲۳ میلیون تومان) اختصاص پیدا کرده و ۱۶ وزارتخانه، دستگاه و نهاد مکلف شده‌اند برنامه‌های اشتغال‌زایی خود را اعلام کنند تا بعدتر ضمن انعقاد تفاهم‌نامه هر دستگاه با سازمان برنامه و بودجه و تخصیص اعتبار، زمینه برای ایجاد اشتغال مورد ادعا فراهم شود. فارغ از اینکه پول‌پاشی، در هیچ دوره‌ای به ایجاد اشتغال پایدار منجر نشده، متأسفانه گزارش عملکرد دستگاه‌ها در این برنامه‌های اشتغال‌زایی نیز به صورت شفاف و عمومی منتشر نمی‌شود. دولت به وزارتخانه‌ها و همچنین سازمان‌ها و نهادهای میراث فرهنگی، معاونت علمی ریاست جمهوری و کمیته امداد امام خمینی(ره)، بهزیستی، بنیاد شهید و بنیاد مسکن تکلیف کرده است برنامه‌های خود را برای اشتغال‌زایی با اولویت ایجاد اشتغال جدید و تثبیت اشتغال موجود پس از تأیید وزارت کار برای تأیید نهایی به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند.انتظار می‌رود هم‌راستا با تأیید برنامه‌های اشتغال‌زایی امسال، سازمان برنامه عملکرد اشتغال‌زایی گذشته را به صورت عمومی منتشر کند تا اگر توجیهی در تخصیص این اعتبارات وجود دارد، بر همه عیان شود.

نقش بی‌پولی در فوتبال حرفه ای

روزنامه همدلی در طنزی کوتاه چنین نوشت:

فوتبال در چند دهه اخیر فراتر از یک ورزش به یک هنر، یک علم، یک صنعت و در نهایت به یک بنگاه اقتصادی تبدیل شده است که در دنیای امروز تمام اینها با پول به یکدیگر مرتبط شده و عبارت فوتبال حرفه‌ای را می‌سازد. کشور ما هم از سال هشتاد فوتبالش حرفه‌ای شد و پول نقش اصلی را در این عشق قدیمی نوجوان‌های این مرز و بوم بازی کرد. البته آنچه بیشتر از پول در فوتبال ما موثر است بی‌پولی است، یعنی تا دلتان بخواهد ادعای پولداری می‌کنیم و تا دلتان نخواهد دادگاه‌های بی‌پولی می‌رویم، جوری که در فیفا شعبه مخصوص دعاوی مربوط به ما راه افتاده که یک گروه حقوقدان به‌طور شبانه‌روزی پاسخگوی شکایت بازیکنان، مربیان، کمک‌مربیان، بدنسازها، توپ‌جمع‌کن‌ها، تخمه‌فروش‌های دور استادیوم، بوق‌فروش‌های وسط استادیوم، کالباس‌های لای ساندویچ داخل استادیوم، لیدرها و شاید باورتان نشود رئیس خود فدراسیون بوده و هستند. حال اینکه این شکایات چرا در این سطح گسترده به‌صورت روزمره انجام می‌شود یک بحث است و اینکه چرا قراردادها به‌گونه‌ای بسته می‌شود که در نهایت کار به شکایت بکشد یک بحث و اینکه وقتی پول نداریم چرا بازار مسموم راه می‌اندازیم و قیمت‌ها را بالا می‌بریم بحث دیگر! به‌طور ساده همین چند روز قبل باشگاه قهرمان که یک‌سال است پول سرمربی آن هم موفق خود را نداده است در اقدامی بی‌سابقه در فوتبال دنیا به همان مربی طلبکار پیشنهاد همکاری ۵ساله داده است! دقت کنید پول نمی‌دهیم ولی دوست داریم پنج‌سال دیگر هم پیش ما باشی تا پولت ندهیم! یا باشگاهی دیگر مربی چند میلیونی را پای میز مذاکره می‌آورد و صحبت از سالی فلان میلیون یورو می‌کند بعد مربی جدید درخواست پنجاه‌هزار دلار پول هتل و میز شام قرارداد می‌کند و نمایندگان باشگاه دست در جیب کتشان می‌کنند و می‌گویند ای وای کیفمان در هتل جا مانده است و قربان شما پرداخت کنید ما می‌رسیم تهران برایتان کارت به کارت می‌کنیم و سرمربی جدید در گوگل ضرب‌المثل «سالی که نکوست» را سرچ می‌کند! البته از همه اینها گذشته یادمان نرود ریش سفیدی و مصالحه همیشه پاسخگو نیست و کما اینکه میلیاردها تومان طی همین یکی دوسال گذشته از بیت‌المال بابت همین ناآگاهی‌ها و شکایات بعدی و محکوم‌شدن‌ها به حساب بازیکنان درجه سه و چهار واریز شده است و با این فرم بازار نقل و انتقالات امسال هم محکومیت‌های بعدی از الان دارند آلارم می‌دهند.

آگهی مزایده شماره ۹۸/۲

شرکت مخابرات ایران
(سهامی عام)
منطقه فارس

شرکت مخابرات ایران- منطقه فارس در نظر دارد، نسبت به اجاره سالن گیم کلاب مجتمع فرهنگی ورزشی خود از طریق مزایده عمومی بر اساس مشخصات موجود در اسناد واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی جهت شرکت در مزایده، دعوت بعمل می آید. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به پرتال این منطقه به آدرس fars.tci.ir مراجعه نمایند. «۱۰۲۳/۵۰۰۵/۷۸۰–ش ن»

روابط عمومی مخابرات منطقه فارس

روزنامه‌ها زیر ذره‌بین

عواقب دیوارکشی در پاستور!

حسن رضایی طی یادداشتی در روزنامه وطن امروز نوشت: بارها از منابع متعدد شنیده و خوانده‌ایم که ارتباطات شخصی آقای رئیس‌جمهور بسیار محدود است. باری شنیدم که ارتباط معمول ایشان محدود به ۲ الی ۳ نفر از مقامات ارشد دولت است ولاغیر. متعدد دیده‌ایم که وزرای آقای روحانی و نمایندگان مجلس از این حلقه بسته اطرافیان گلایه کرده‌اند، حتی در همان دولت یازدهم، کار به نگارش نامه سرگشاده وزرا به آقای روحانی کشید! نمایندگان مجلس از این می‌گویند که در ۶ سال گذشته یک بار هم نتوانسته‌اند رئیس‌جمهور را ملاقات کنند و امر برای معاونان رئیس‌جمهور هم ظاهرا بر همین منوال است. یادم هست شهیندخت مولاوردی زمانی که از معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری رفت، گفته بود «طی سال‌های گذشته تنها یک بار توانسته رئیس‌جمهور را ملاقات کند».

روز گذشته هم عزتا... ضرغامی گفت: درباره استعفای وزیر آموزش‌وپرورش «اگر رئیس‌جمهور فقط ۱۰ دقیقه به او وقت می‌داد تا چند موضوع مهم وزارتخانه‌اش را حل کند، او اکنون به خدمت خود ادامه می‌داد».

اینکه چنین وضعیتی چه تبعاتی برای کشور دارد، چندان مبهم نیست. تبعات چنین ارتباط گلخانه‌ای و کنترل‌شده‌ای، اما برای آقای رئیس‌جمهور بدتر است.

طبیعی‌ترین واکنش فردی که در چنین فضایی زندگی می‌کند، مواجه شدن با واقعیات دنیای بیرون از دفتر ریاست‌جمهوری با سلاح «انکار» و «تکذیب» است. طی سال‌های گذشته خصوصا در دولت دوازدهم، مکرر دیده‌ایم که آقای روحانی سخنانی می‌گوید که نه‌تنها با واقعیات اقتصادی-اجتماعی کف جامعه، بلکه با آمار رسمی دستگاه‌های دولتی در آن زمینه خاص هم کاملا در تضاد است. دوستان پرکار معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری خوب است قبل از تنظیم شکوائیه پیرامون جمله قبلی، خود یک جست‌وجوی کوتاه اینترنتی در این زمینه انجام دهند تا وقت ما و خودشان را بیهوده تلف نکنند! کشور و مردم که فدای سر دولت، رئیس‌جمهور، اما روزانه حرف‌هایی می‌زند که برای خودش هم خوب نیست. اگر آقای روحانی نمی‌داند همزمان با دادن ضرب‌الاجل ۶۰ روزه به اروپا، رئیس دولت نباید در بوق همه‌پرسی با تعریض به مساله هسته‌ای بدمد، چون مصداق تف سر بالاست، این را که حداقل باید بداند که از داخل ماشین نمی‌شود نظرسنجی کرد!

حلقه محدود اطرافیان و یک مساله پرتکرار و غیرقابل طرح دیگر، اما ظاهرا ایشان را بسیار فراموشکار و کم‌حافظه کرده است! پیش از این کارگردان فیلم تبلیغاتی آقای روحانی در سال ۹۲ طی مصاحبه‌ای، برخی جملات مصنوعی داخل فیلم مذکور را افشا و اظهار کرده بود این‌ها را من به آقای روحانی پیشنهاد کرده بودم. از آن جمله، این بود: «من سال‌هاست وقتی بین منزل و اداره تردد می‌کنم و مردم را می‌بینم و چهره‌ها را مطالعه می‌کنم می‌بینم چقدر گرفته و چقدر عبوس است و خنده در چهره‌ها نیست». حالا آقای رئیس‌جمهور در جمع اصحاب رسانه و در پاسخ به برخی انتقادها مبنی بر اینکه او از شرایط جامعه خبر ندارد، گفته است: «من خودم بارها گفته‌ام، روزانه نظرسنجی می‌کنم، یعنی توی خیابان با ماشین که می‌روم تمام چهره‌های مردم را نگاه می‌کنم، چند نفر لبخند دارند، چند نفر عصبانی هستند، چند نفر چهره‌شان گرفته است؟ به هر شهر و جمعیتی که می‌روم خودم نظرسنجی می‌کنم».

آقای روحانی ظاهرا توجه ندارند که اولا مسیر تردد روزانه ایشان در مناطق مرفه‌نشین شهر است، ثانیاً شیشه ماشین ایشان دودی است، ثالثاً سرعت بالای اتومبیل اسکورت رئیس‌جمهور فرصتی برای دیدن چهره افراد باقی نمی‌گذارد، رابعاً برپایی مراسم عزا یا عروسی در مسیر تردد، می‌تواند نتایج نظرسنجی را کن‌فیکون کند، خامساً وقتی ایشان به شهری می‌روند، آن‌ها که ناراحتند، اساسا به استقبال رئیس‌جمهور نمی‌آیند تا ایشان بخواهد نظرسنجی‌شان کند! وقت و صفحات روزنامه محدود است، لذا دیگر ان‌قلت‌های وارد بر نظرسنجی پیشرفته رئیس‌جمهور را ذکر نخواهم کرد. شما هم به همین مقدار راضی باشید! پیشنهاد جایگزین برای آقای روحانی که دسترسی عالی به اطلاعات دارد، اما این است که نتایج آن نظرسنجی که دوستانش می‌گویند طبق آن محبوبیت دولت به زیر ۱۰ درصد رسیده است را هم نگاه مختصری بیندازند، به هر حال، آن هم حرفی هست برای خودش!

مجیدی با چه کارنامه‌ای سرمربی امید می شود؟

پس از بارها و سال‌ها ناکامی در مسابقات فوتبال انتخابی المپیک‌ها واقعاً جای تأسف دارد که باز وارد بحث‌هایی شده‌ایم که بیش از پراکندن بوی امید و صعود، نشانه‌های یک ناکامی احتمالی تازه را به این سو و آن سو ساطع می‌کنند.

روزنامه ایران ورزشی در ادامه نوشت: در روزهایی که یحیی گل‌محمدی ماندن در «پدیده» را بر انتقال به تیم ملی امید ارجح شمرده و امیر قلعه‌نویی هم نه گفته و افشین قطبی هم از محاسبات خارج مانده، آگاهان خبر از مطرح شدن فزاینده فرهاد مجیدی برای پست مربیگری امیدها داده‌اند و از اینکه وی احتمالاً یک دستیار خارجی نیز در این سمت خواهد داشت. انتخاب احتمالی وی در شرایطی صورت می‌گیرد که مربیان متعدد دیگر یا لااقل ۱۰ گزینه «دم دست» و کسانی که جذب‌شان غیر ممکن نیست، پیش‌روی انتخاب‌کنندگان قرار دارند و هر چند بعضی از آنها فعلاً با باشگاه‌ها قرارداد دارند اما از رزومه‌ها و نتایجی بهره می‌گیرند که کارنامه مجیدی کاملاً تهی از آن است.

اصولاً مجیدی از کجا آمده و در چند مسابقه مهم یا غیر مهم پست سرمربیگری را تجربه کرده است؟ پیشینه او در این حرفه به چند سال و بهتر بگوییم به چند روز و هفته و ماه می‌رسد؟ آیا تیم ملی امید را باید به فردی سپرد که پیشینه‌ای به محدودی مجیدی داشته باشد یا به افرادی که بر پایه کاری ۱۰ تا ۲۰ ساله به درجه‌ای از تجربه رسیده‌اند که می‌توانند حلال مشکلات متعدد امیدها در دیدارهای دشوار مانند انتخابی المپیک باشند؟ آیا فردی که فقط در ۵ مسابقه رسمی در اواخر فصل پیش، روی نیمکت هدایت تیمی ولو بزرگ (استقلال) نشسته، صلاحیت و آمادگی هدایت موفقیت‌آمیز تیمی را دارد که برای عبور از سد رقبای قدرتمندش در آسیا و رسیدن به مجوز حضور در المپیک به بیشترین مهارت‌ها و تجربیات و دانش‌ها نیاز دارد؟

نامعقول یا مخدوش و دیر بودن روند انتخاب سرمربیان تیم ملی امید ما اصلاً فرآیند تازه‌ای نیست و بارها از این طریق لطمه خورده‌ایم و به همین سبب است که باید پرسید قصد داریم تا چه زمانی از یک سوراخ خاص و کاملاً مشخص و قابل پرهیز مکرراً گزیده شویم و درس‌های لازم را نگیریم و آن سناریو را در مرتبه‌های بعدی هم تکرار کنیم. نگاهی به روند انتخاب مربیان امیدها در دو دهه گذشته کاملاً در این زمینه روشنگر و نشان‌دهنده ضعف‌های ما در این زمینه و به‌تبع آن در بردارنده هشدارهای لازم برای پرهیز از تکرار اشتباهات گذشته است. در سال ۲۰۰۰ در حالی اگون کوردس آلمانی سکاندار شد که ناآشنایی وی با اصول فوتبال ما و ورود دیر هنگام او به عرصه شانس‌های صعود ما را به حداقل رساند و سرانجام این راه را به کلی مسدود کرد. در سال ۲۰۰۴ در حالی محمد مایلی‌کهن سکاندار و در سه دیدار آخر حسین فرکی، جانشین او شد که «مایلی» مثل آنچه در دور مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ در مورد وی مشاهده شده بود، با سپری شدن هر چه بیشتر زمان برگزاری مسابقات کنترل سست‌تری روی تیم پیدا کرد و زیر فشار توقعات و نتایج کسب نکرده، کم‌رنگ و کم‌اثر شد و فرکی دیرتر از آن به زمامداری رسید که اثری بر این رویداد متصور باشد. در سال ۲۰۰۸ بدون درس گرفتن از تمامی اتفاقات منفی قبلی و رویدادهای تلخ گذشته آنقدر دیر به وینکو بگوویچ کروات (و به واقع ایرانی به سبب کثرت سال‌های حضورش در ایران) روی آوردیم که او نتوانست تیم را جمع و جور کند و ضعف وی در برقراری ارتباط با شاگردانش نیز مزید بر علت شد و نتایجی را به ثبت رساند که به جز حذف مجدد فرجامی برای ما نداشت.

در سال ۲۰۱۲ علیرضا منصوریان به‌موقع و بدون تأخیری کلان استخدام شد اما یک اشتباه عجیب و بزرگ و بچگانه سد راه ما شد و استفاده از یک بازیکن دو اخطاره (کمال کامیابی‌نیا) در دیدار با تیمی که باید طبعاً مغلوب ما می‌شد (عراق) اوضاع ما را زار و باخت ۳ بر صفر و حذف ما را قطعی کرد. در سال ۲۰۱۶ نیز با اینکه زوج حبیب کاشانی (مدیر) و محمد خاکپور (سرمربی) از یک سال و نیم قبل از برگزاری مرحله نهایی انتخابی المپیک، سکاندار امیدها شدند باشگاه‌ها آنقدر از همکاری طفره رفتند که هیچ راهی به جز حذف دیر یا زودهنگام برای ما باقی نماند و شکست قاطع مقابل ژاپن در یک‌چهارم نهایی در خاک قطر کار ما را یکسره و حضور ما را در المپیک ریودوژانیرو غیرممکن کرد.

این همه ناکامی اضافه بر شکست‌های قبلی در دور مقدماتی المپیک‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ که هدایت امیدها با زوج حسن حبیبی و بیژن ذوالفقارنسب بود، چنان سیاهه قطوری از حذف شدن‌های اجتناب‌ناپذیر را برای ما به تصویر کشیده است که امکان ندارد از خود نپرسیم که درس‌های تاریخ را برای کدام موارد و برای کدام افراد می‌گذارند و آیا تمامی موارد فوق نشانگر این نیست که باید مربیانی قوی و بزرگ را مسئول تیم ملی امید در مأموریت دشوار پیش روی آن کرد و به آنها وقت و امکان کافی برای کار و پیشرفت و رسیدن به هماهنگی و شرایط لازم داد؟ آیا مسئولان امر معتقدند گزینه‌های آنان تا این لحظه انتخاب‌های معقولی بوده‌اند و آیا توانسته‌اند بساطی را ایجاد کنند که نامزدها از کار در این زمینه استقبال کنند و اگر از این کار بازمانده‌اند آیا مقصران این ناکامی‌های سریالی افرادی به جز خود آنها بوده‌اند؟

و سوال آخر و مهم‌تر از همه اینکه آیا با مقدمه‌چینی‌های فعلی و آنچه طی سال ۱۳۹۷ (پس از صعود دشوار از مرحله اول انتخابی آسیا) و سه ماه اول سال ۹۸ روی داده است، می‌توان به فرجامی بهتر در راه صعود به المپیک توکیو دل بست؟ آیا سرنا را مثل معمول از سر گشاد آن نمی‌نوازیم؟

از سفر «آبه» و «ماس» چه انتظاری داریم؟

سفرهای دیپلماتیک و سطح بالایی که به تهران انجام می‌شود، چه معنایی دارد و چگونه می‌باید با آن برخورد کرد؟

روزنامه ایران در ادامه نوشت: این سفرها در درجه اول به معنای به شکست انجامیدن سیاست‌های یکجانبه ترامپ علیه ایران است. پیش از سفرها چنین القا می‌کردند که ایران دیر یا زود تلفن را برمی‌دارد و به کاخ سفید تلفن می‌کند، ولی هنگامی که متوجه شدند فشارها نتیجه عکس داده و ایران آماده مقابله با آن است، به یک باره فتیله ادعاهای کاخ سفید پایین کشیده شد و ترامپ در سفر به ژاپن لحن خود را به نحو ملموسی تغییر داد و این بار پذیرفت که آقای نخست وزیر ژاپن میانجی ماجرا و در مقام پیام‌رسان میان طرفین عمل کند. آیا باید از چنین سفری ذوق زده شویم؟ و گمان کنیم که مسائل حل شده است؟ به طور قطع مسائل ایران و آمریکا به‌ویژه در زمانی که شخصی چون ترامپ عهده‌دار کاخ سفید است، به این سادگی‌ها حل نخواهد شد. نه تنها مسائل آمریکا با ایران، بلکه با همه جهان بجز عربستان و اسرائیل و امارات دچار مشکل خواهد شد، زیرا خط‌مشی ترامپ دوشیدن این دو کشور با وعده‌های سر خرمن بود. به طوری که یکی از مقامات امارات متحده عربی پس از دیدن سیاست عقب‌نشینی ترامپ و بدون آنکه خجالت بکشد، گفت که: «اعتبار دولت ترامپ و آمریکا در خطر است، اگر آمریکا به وعده خود عمل نکند، وعده‌ای که از سوی جان بولتون بیان شد که گفت هرگونه حمله ایران به منافع و متحدان ما با اقدام نظامی فوراً پاسخ داده خواهد شد.»

این مقام اماراتی هیچ‌گاه حوصله این را نداشت که فکر کند، چرا آمریکا باید به خاطر آنان منافع خود را در خطر بیندازد؟ ترامپ طی همین چند سال حدود ۱۰ هزار بار دروغ گفته است، چرا باید حرف‌های او را باور کرد؟ بنابراین و پس از دوشیدن پول‌های نفتی این کشورها، به احتمال فراوان با آنان نیز دچار اختلاف خواهد شد و تنها اسرائیل است که برای آمریکا باقی می‌ماند.

بنابراین انتظار حل مسائل دو طرف ایران و آمریکا با سفر نخست وزیر ژاپن و مقامات اروپایی، انتظار نامعقولی است، چون معلوم نیست که ترامپ حتی به آنچه هم که به نخست وزیر ژاپن گفته است پایبند بماند. ولی آیا این سخن به منزله آن است که به این گفت‌وگوها نباید خوشبین بود؟ یا آنکه آن را شکست خورده یا بی‌فایده دانست؟ پاسخ به این پرسش نیز منفی است. به عبارت دیگر ایران براساس خط‌مشی اعلامی از سوی رهبری معظم خواهان کاهش تنش‌های منطقه‌ای است و طبعاً از هر اقدامی در این زمینه حمایت خواهد کرد. شاید بتوان گفت که اگر این سفر بتواند سایه خشونت و تنش را که به دلیل اقدامات ایالات متحده رخ داده کمتر کند، یک موفقیت قابل توجه محسوب می‌شود. این کف انتظارات از چنین سفری است و البته سقف آن می‌تواند بازگشت ایالات متحده به برجام باشد. توافقی که قدرت‌های جهانی و ایران آن را پذیرفتند و بهترین ایده برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای بود و هنگامی که ترامپ به صورت یک‌جانبه آن را ترک کرد مشکلات نیز آغاز شد.

چرا نباید بدبین بود؟ بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترامپ برخلاف وعده‌هایش تاکنون در هیچ‌یک از برنامه‌های سیاست خارجی خود موفقیتی نداشته است. دیوار مرزی با مکزیک، ساقط کردن دولت ونزوئلا، اختلافات با چین، مسأله هسته‌ای کره شمالی، مسأله ایران، موضوع صلح خاورمیانه، محورهایی است که انتظار می‌رفت او به وعده‌هایش عمل کند. تقریباً در اکثر موارد مقدمات وعده‌هایش را انجام داد. ولی مشکل او این است که نتایج آنها را به دست نیاورده است. اکنون امید کوچکی دارد که از زیر بار سیاست‌های تحریمی علیه ایران که حداقل برای تحقق اهداف آمریکایی ناکارآمد بوده، خارج شود.

آگهی تغییرات شرکت گیتی عمران خلیج همیشه فارس شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۴۷۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۵۹۸۷۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۸/۲/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - مرکز شرکت از جهرم به واحد ثبتی شیراز به آدرس : استان فارس ، شهرستان شیراز ، بخش مرکزی ، شهر شیراز، هفت تنان ، خیابان شهید قانعی ، بن بست ۹ شهید قانعی ، پلاک ۹۸ ، طبقه همکف کدپستی ۷۱۴۶۷۴۴۶۴۶ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید - موارد ذیل به موضوع شرکت اضافه شد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: احداث خطوط انتقال آب، گاز و کلیه تاسیسات برقی، احداث راه و راه آهن، پل و سازه های آبی، انجام مطالعات کشاورزی، تصدی به فعالیت خدماتی و نظافتی و جمع آوری پسماند، تامین نیروی انسانی، خدمات فضای سبز، حمل و نقل درون شهری، تصدی به فعالیت معاینه فنی خودرو و موتور سیکلت (پس از اخذ مجوز لازم از مراجع ذیصلاح در صورت لزوم). **شناسه: ۴۹۶۱۴۸**

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری جهرم

آگهی تغییرات شرکت اسپاد ارتباط صنم شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۹۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۱۸۶۹۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۷/۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : اعضای هیات مدیره عبارتند از خانم طاهره شاکیان ۲۲۹۵۳۳۳۷۰۹ و آقای فرزاد مسعودی ۲۳۰۰۸۸۴۳۱۳ و آقای کاظم خدابخش ۵۴۷۹۹۷۶۵۱۶ برای مدت ۲ سال انتخاب شدند آقای مجتبی خسروی ۵۴۷۰۰۳۳۵۹۷ به سمت بازرس اصلی و آقای غلامحسین حیدرخواه ۵۴۷۹۹۷۱۱۶۶ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند روزنامه کثیرالانتشار نیم نگاه جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. **شناسه: ۴۹۶۱۴۶**

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری سپیدان

قوه قضائیه حیاط خلوت مفسدان اقتصادی را هدف قرار دهد!

بابک حیدری در بخشی از یادداشتی روزنامه رسالت نوشت: هنگامی که قوای مجریه و مقننه – خواسته یا ناخواسته–با برخی قوانین و دستورالعمل ها، فضای رانت خواری را فراهم آورده و قوه قضائیه نیز در برخورد با پرونده‌های فساد مالی با پوسته ظاهری تخلفات برخورد می‌نماید و به عبارت دیگر جریان پشت صحنه و طراحان – سهوی یا عمدی– مفاسد از پیگیری و بازخواست در امان می‌مانند، دیگران نیز برای دست اندازی مجدد به بیت المال و تضییع حقوق عمومی وسوسه می‌شوند. به عنوان اولین مثال به سیاست غلط بانک مرکزی که برای کنترل نقدینگی با پیش فروش سکه، ده‌ها تن از ذخایر طلای کشور به فنا رفت یا اشتباه مهلک تعیین نرخ ارز به قیمت ۴۲۰۰ تومان و ایجاد رانت عظیم و سوء استفاده برخی از این گل به خودی اقتصادی اشاره کرده و از بیانات رهبرمعظم انقلاب در سخنرانی ۲۲ مرداد سال گذشته برای شناسایی ریشه‌ها و لزوم برخورد با علت العلل‌ها بهره می‌گیرم، آنجا که می‌فرمایند: « ارز را یا سکه را وقتی که به‌صورت غلط تقسیم می‌کنند، این دو طرف دارد: یکی آن که می‌آید این را می‌گیرد و مثلاً فرض کنید قاچاقچی است یا به قاچاقچی می‌فروشد؛ یکی آن که این را می‌دهد. ما همه‌اش داریم دنبال آن کسی که «می‌گیرد» می‌گردیم –مفسد اقتصادی، قاچاقچی– درحالی‌که تقصیر عمده متوجه آن کسی است که «داد»؛ او را باید دنبال کرد... بالاخره یک تخلفی انجام گرفته، یک خطای بزرگ انجام گرفته. نمِی‌گوییم هم «خیانت»؛ زبان بنده این‌جور نمی‌گردد که راحت بگوییم فلانی یا فلان‌کس‌ها خیانت می‌کنند؛ نه، اما بالاخره خطا کردند و خطای مهمی کردند که ضررش به مردم برگشت.اگر موافق باشید به پای ثابت مفاسد اقتصادی یعنی سیستم بانکی اشاره می‌کنم، سیستم معیوبی که به جای تمرکز بر وظیفه اصلی و رسالت و ماموریت خود، به بنگاه داری می‌پردازد و بارها و بارها رهبر معظم انقلاب و روسای محترم جمهور از این تخطی گله نموده اند.

به این فراز از سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و اعضای دولت دوازدهم به مناسبت هفته دولت توجه نمایید:« چرا بانک‌ها مشکل نقدینگی پیدا می‌کنند برای اینکه شعبه زیاد می‌کنند. برای اینکه آسایشگاه برای افراد خودشان می‌سازند. بنده یک وقتی در تهران از جایی عبور می‌کردم، دیواری طولانی بود که هرچی می‌رفتیم ادامه داشت! پرسیدم این تشکیلات عظیم برای کیست؟ گفتند مال فلان بانک است، بانک غلط می‌کند که چنین کاری کند. حالا اینکه تشکیلاتی است که لابد برای تفریح و این حرف‌ها است. بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند. جلوی بنگاه‌داری بانک‌ها را بگیرید. بانک برای بنگاه‌داری نیست..

دستگاه قضا بایدفراتر از محاکمه حلقه اولیه پرونده‌های فسادمالی، به عنوان مدعی العموم به لایه‌های پسین وقوع جرم که در واقع منجر به فراهم شدن شرایط «تبعیض در منابع عمومی» و «میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی»ورود نموده و زمینه‌های وقوع جرم را نیز بررسی و با عوامل آن برخورد نماید. به نظر می‌رسد دستگاه قضا با هدف قرار دادن حیاط پشتی و البته خلوت مفسدان اقتصادی، کارآمدتر و موثرتر خواهد توانست از وقوع مفاسد اقتصادی و سوء استفاده از بیت المال و حقوق عمومی جلوگیری نماید و اعتماد مردم به آن قوه را بیشتر نماید.

بیشتر فسادها در کشور ما از راه شنود کشف می‌شود

روزنامه شرق با پدرام سلطانی نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران مصاحبه ای درباره فساد از جمله در واردات کالاها انجام داده است.

بخش هایی از اظهارات او را می خوانید:

*ما کشوری با کلکسیونی از ممنوعیت ها هستیم. از ممنوعیت به دلیل محدودیت ارزی تا ممنوعیت به دلیل حمایت از تولید داخل یا ممنوعیت به دلیل مسائل قانونی و چیزهای دیگر. هر کالایی که ممنوع است به دلیل این که تقاضا برای آن وجود دارد، این کالا وارد می‌شود و موقعی که در مرزهای وارداتی کشوری ارتباطات فسادانگیز مستقر شد، واردات هر کالایی هیچ کاری ندارد. متأسفانه در کشور ما قاچاق یک فساد کاملا سازمان یافته و تنظیم شده است.

*زمانی که تعرفه کالایی ۴۰ درصد بود، قاچاقچی ها آن کالا را با ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزش کالا می آوردند حالا که واردات آن کالا ممنوع شده است احیانا با ۲۰ تا ۲۵ درصد ارزش کالا آن را وارد می‌کنند.

*چرا وزارت صمت، بانک مرکزی و حتی اگر لازم باشد گمرک اعلام نمی کنند که کدام یک از کسانی که ارز۴۲۰۰تومانی را دریافت کردند کالا وارد نکردند. یک تعدادی از این شرکت ها هم کالا را وارد کردند اما بعضا خارج از شبکه فروختند. آن را هم اعلام نکردند. امکان دارد شرکتی کالا را با ارز چهارهزار و ۲۰۰ تومانی وارد کرده اما به نرخ آزاد فروخته باشد و تابع قیمت گذاری نبوده است. آن هم تخلف دومی است که اعلام نمی کنند البته این تخلف دوم تخلف کمتری است. دلیلش این است که کسی که کالا را وارد می کند، عموما وارد کننده حرفه ای و با سابقه است و سابقه خودش را برای این کار خراب نمی‌کند، زیرا اگر می خواهد این کار را بکند، می رود قاچاق می کند. چرا باید این کار را انجام دهد. آن کسانی که خارج از شبکه کالای خود را فروختند با رانت و تعاملات فسادانگیز دسترسی به ارز دولتی پیدا کردند. آنها امکان یا جرات آن را نداشتند که کالایی را وارد نکنند. آمدند کالا را وارد کردند اما به قیمت آزاد فروختند. این ها اکثرا وارد کننده های بی شناسنامه یا نوپا یا رانتی هستند. ما واقعا می خواهیم که اطلاعات شفاف شود زیرا الان همه کسانی که به ناگزیر این ارز دولتی را دریافت کردند، در نزد افکار عمومی زیر سؤال هستند.

*سازوکارهای کشف فساد ما بسیار عقب افتاده هستند. ما گزارشی را دو سال پیش داشتیم از مجموعه ای که متخصص کشف تقلب در صورت های مالی و حساب ها بودند. در آن گزارش خاطرم هست که می گفتند در ایران اکثر فسادها توسط دستگاه های نظارتی یا بازرسی از طریق شنود کشف می شود. در صورتی که در دنیا سازوکارهای کشف فساد از گزارش های ذی نفعان است، مثلا فرض کنید همسایه ای هست که متوجه می شود همسایه اش یکباره دو ماشین بنز ۵۰۰ خریده است و این مساله را گزارش می کنند. یعنی از طریق گزارش های مردمی است. منتها گزارش‌های مردمی موثق است. متأسفانه در کشور ما گزارش های مردمی تبدیل به زیرآب زنی شده است. به حسادت و این جور چیزها خلاصه می شود اما آنجا مردم چون می‌خواهند از منافع ملی خود حراست کنند، هر موضوعی را که مستندا احساس کنند نیاز به بررسی دارد، گزارش می کنند. بیشتر هم مسائل مالی است، مثلا شرکتی در تعاملاتش با شرکت دیگری متوجه می شود که آن شرکت از صدور فاکتور امتناع می‌کند. این مساله را به سازمان امور مالیاتی گزارش می کند یا کارمندی متوجه می‌شود کارفرمایش می خواهد رشوه بدهد که یک مزایده یا مناقصه را از این طریق برنده شود و همین طور از طریق حسابرسی هایی که انجام می شود، نقل و انتقالات پولی و مالی رصد می شود. موضوع مبارزه با پولشویی که در همه این سال ها داد می زدیم تصویب شود، برای این است که میلیاردها تومان در حساب های بانکی افراد مختلف گردش داشت و کسی از این ها سؤال نمی کرد که این پول برای چه آمده است. آیا مالیات آن را داده اید یا نه. یک سال تا یک سال و نیم است که نسبت به این موضوعات حساس شده اند.

یکی از افراد متخصص به من می گفت در جریان استرداد سپرده های سپرده گذاران مؤسسه کاسپین و چند مؤسسه غیر مجاز که دچار مشکلاتی شدند، برای بسیاری از سپرده های بالای پنج میلیارد تومان هنوز کسی رجوع نکرده که مبالغ خود را دریافت کند زیرا بر اساس قانون مبارزه با پولشویی، برای ارقام بالای پنج میلیارد تومان طبیعتا باید اثبات کنند که این پول را از کجا آورده اند و از آن جایی که این افراد نمی توانند منشأ پول خود را اثبات کنند، بنابراین از خیر کل پول گذشته اند، مثلا کسی یک باره یک ساختمان ۵۰ میلیارد تومانی خریداری می کند و نقل و انتقال آن هم در سازمان امور مالیاتی و ثبت اسناد و املاک انجام می شود و کسی هم نمی پرسد این رقم از کجا آمده و آیا فرد چیزی فروخته است یا خیر. ثروت و ارثی بوده است؟ مالیات آن را داده اید؟ حقوق دولتی را داده اید؟

تعاونی مسکن فرمانداری شهرستان شیراز قصد فروش قطعه زمین آپارتمانی به مساحت ۲۲۳۱ مترمربع واقع در فاز یک شهر جدید صدرا ابتدای بولوار دنا تحت پلاک ۱۵٦ به بالاترین قیمت پیشنهادی را دارد.

تماس: «۶۲۰-۱۰۰»

۰۹۱۷۷۰۱۶۵۹۶ – ۰۹۱۷۷۰۵۹۷۶۴–۰۹۱۷۳۰۰۲۳۶۲

شرکت تعاونی کشاورزی و دامپروری پاسارگاد مرغ فارس در اجرای مصوبه مجمع عمومی در نظر دارد کشتارگاه صنعتی مرغ گوشتی را به اشخاص حقیقی یا حقوقی با تجربه و با توانمند کافی در امر تولید و نگهداری به صورت اجاره از طریق مزایده واگذار نماید.

لذا از متقاضیان دعوت به عمل می آید جهت دریافت شرایط مزایده و کسب اطلاعات بیشتر حداکثر تا یک هفته پس از درج این آگهی به آدرس: شیراز، پل فسا، کیلومتر ۱۵ جاده نیروگاه سیکل ترکیبی مراجعه نمایند. «۶۲۶-۱۰۰»